

## لطفاً در مورد خودتان و چگونگی ورودتان به سینمای مستند برای مخاطبان بگویید.

حقیقت تحصیلات من در دوره کارشناسی مهندسی آی تی و در دوره کارشناسی ارشد نیز مدیریت اجرایی بود که هیچکدام به سینما مرتبط نبودند، تنها زمینه اشتراک تحصیلات آکادمیک من با سینما پایان نامه ام با موضوع مدیریت جشنواره های سینمایی بود اما اینکه چگونه سینمای مستند را آموختم از طریق کارگاه های آموزش فیلم سازی بوده و بعد از آن با تحقیق و مطالعه و همزمان ساخت فیلم وارد دنیای سینمای مستند شدم. «چند شاخه گل مریم» اولین فیلم مستند من است و پیش از آن فیلم داستانی کار می کردم. این مستند توانست موفقیت های خوب و جوایز مختلفی در داخل و خارج از کشور کسب کند و این انگیزه مناسبی شد تا من با قدرت بیشتری به سینمای مستند بپردازم. علاوه بر این سینمای مستند همیشه برای من جذاب بود و معتقد بودم؛ نگاه رئال حتی در فیلمهای داستانی نگاه ویژه ای است چرا که باورپذیری و نگاه رئال جذابترین بخش سینماست به همین علت طبیعی بود که جذب سینمای مستند شوم و بعد هم همین مسیر را ادامه دادم تا به فیلم مستند صحنه آخر رسیدم.

## فیلم صحنه آخر به چه موضوعی می پردازد؟

صحنه آخر یک فیلم مستند است که به تعزیه ای متفاوت در اهواز می پردازد که مخاطبان آن سی سال است اجازه نمی دهند واقعه گودال قتلگاه رخ دهد اما هیئت امنای اجرای این جشنواره نیز در پی این هستند که بتوانند تعزیه را به شکل اصلی آن به پایان برسانند و فیلم ما درست به همین تضاد می پردازد. فیلم در جشنواره های داخلی مانند جشنواره رسام خوزستان، جشنواره ساپا یزد و جشنواره حقیقت حضور داشته که اثر برگزیده دو جشنواره اول هم بوده است. هم اکنون نیز از اول محرم آکران آن در سینماهای هنر و تجربه آغاز شده است.

## تاثیر گذاری مردم بر پایان این تعزیه در شکل ساخت مستند شما چه تاثیری داشت و شما این واکنش مخاطب را چگونه تفسیر می کنید؟

اگر بخواهیم از این مسئله تعریف هنری و آکادمیک داشته باشیم؛ نمایشی که بخواهند مردم در آن نقش داشته باشند پرفورمنس است اما مردم در آنجا بصورت کاملاً حسی بدون اینکه آموزشی دیده باشند یا به آنها تکلیفی شده باشد چنین واکنشی نشان می دهند، در نهایت نمایشی داریم که با مداخله مردم و تعامل در پایان بندی آن پایان می پذیرد و ما هم در ساخت مستند چه در بخش مصاحبه ها و چه در بخش روایت سعی کردیم تا سبک های مختلف را تلفیق کنیم اما آنچه در آنجا روی می دهد یک نمونه کامل از ارادت انسانهاست... این انسانها نمی خواهند شاهد صحنه شهادت امام سوم شیعیان باشند. مخاطبی که صبح بسیار زود در گرمای اهواز روز خود را با نوحه و روضه های مربوط به واقعه عاشورا آغاز کرده و احساساتش به شدت درگیر شده است، شاهد کشته شدن تک به تک اصحاب امام حسین در نمایش بوده و مظلومیت حضرت زینب را دیده و درست سر ظهر در اوج قلبان احساسات دینی آن انسان، صحنه گوال قتلگاه باید اجرا شود و انقدر در آن شرایط این واکنش طبیعی جلوه می کند که حتی این سوال به ذهن متبادر می شود که چرا در باقی نمایش های تعزیه چنین واکنشی شکل نمی گیرد.

## شروع ساخت این مستند به چه زمانی بر می گردد؟

در حقیقت من سال ۹۴-۹۵ از طریق دوستانم با این تعزیه آشنا شدم، واز ویژگی ها و مشخصات این تعزیه برآیم گفتند و من دو سال برای دیدن این تعزیه به اهواز رفتم اما به طور کل فیلمبرداری این اثر، در دو سال و در طول مدت ده روزه عزاداری ها و مراسم تعزیه و فیلمبرداری های آن هم در محله حصیر آباد اهواز انجام شد.

## تحقیقات شما برای این فیلم شامل چه مواردی بود؟

یک سری تحقیقات میدانی و محلی و تحقیقات اینترنتی داشتیم و در نهایت نیز یک سری تصاویر آرشیوی بود که منابع تحقیقاتی ما را تشکیل دادند

## روایت شما از منظر کدام شخصیت واقعه عاشورا است؟

با کاراکتر شمر برای روایت فیلم همراه شدم چرا که سایر نقش های برجسته به لحاظ محتوایی قدیس هستند و نمی شود آنها را به تصویر کشیده و در کنارشان بود. در نهایت شمر بزرگترین

بدمن قصه عاشوراست و این بدمن باعث می شود تا قصه جلو برود و به همین علت در روایت ما با شمر همراه می شویم و تا لحظه آخر جلو می رویم.

## در طول ساخت فیلم آیا از منظر زیبایی شناسی به انجام تغییری در روند و یا شکل ظاهری تعزیه نیاز حس کردید؟

انقدر همه چیز دراماتیک بود که اصلاً این نیاز حس نمی شد و از طرفی همه چیز به انتخاب فیلم ساز بستگی دارد که با توجه به سبک فیلم خود یا مفهومی که بدنبال آن است صحنه ها و موقعیت هایی را که نیاز دارد انتخاب کرده و تصویر برداری کند. اینکه انتخاب کنید که میان اسب افسار گسیخته ای که رم کرده و یا بازیگری که از گرما از حال رفته کدام یک را برای تصویر برداری انتخاب کنی، طراحی کارگردان در فیلم مستند است.

## در روند ساخت این مستند با توجه به جغرافیایی که در آن اثر تولید شد چه چالش هایی داشتید؟

در حقیقت جز گرمای هوا و دوری از تهران و امکانات، تقریباً هیچ چالشی نداشتیم. چرا که اهالی این شهر مهربانانه خانه هایشان را در اختیار ما گذاشتند و آنقدر با ما همکاری کردند که در تمام مدت ساخت فیلم ما از آن محله بیرون نرفتیم و حتی در زمینه امکانات هم هر چیزی که نیاز داشتیم در نهایت برایمان فراهم کردند.

## با توجه به اینکه فیلمتان آکران های بین المللی هم خواهد داشت مواجعه مخاطب خارجی را با اثر چطور ارزیابی می کنید؟

برای مخاطب خارجی یک کپشن طراحی کردیم و در آن توضیح داده شده که هزار و چهارصد سال پیش پیامبر اسلام برگزیده شد و دینش توسط فردی منحرف شد و سپس نوه پیامبر بر علیه آن فرد قیام کرد و در نهایت در مبارزه ای ناعادلانه به شکل مظلومانه ای کشته شد، از این شهادت مظلومانه نمایشی ساخته شد که تعزیه نام گرفت و در ایران تعزیه های فراوانی اجرا می شود که این مستند روایتی از یکی از آن تعزیه هاست در نتیجه دیگر مخاطب می داند با چه چیزی مواجه است. با این حساب که برای ما مشخص است که مخاطب سینمای مستند، مخاطب خاصی است. مخاطبی که حاضر است هزینه کند و با خرید بلیط فیلم مستند را در سینما تماشا کند به جادوی مستند روی پرده سینما باور دارد. این تماشاگر، همان مخاطب خاص است که بسیار کم تعداد هستند به همین دلیل تا کنون هم مستند ها روی پرده چندان فروش نداشته اند. اما این اتفاق بسیار مبارک است اینکه سینما بشود عرصه نمایش فیلم مستند و اینکه ما بتوانیم فرهنگ سازی کنیم تا مخاطب روی پرده فیلم مستند را ببیند هم برای ما جذاب است و هم برای رشد سینمای مستند نقطه عطف بزرگی است.

## کارگردانی که مدیوم مستند را برای فیلمسازی انتخاب می کند اساساً چه ویژگی هایی دارد و بدنبال چیست؟

فکر می کنم بخشی از آن به شخصیت خود فیلم ساز بر می گردد و بخشی هم به ویژگی های سینمای مستند طبیعتاً کسانی که به واقع گرایی سینمای مستند به روزمرگی آن و حقیقی بودنش علاقه دارند طبیعتاً این مدیوم را انتخاب خواهند کرد.

## فکر می کنید اگر سینمای مستند با سبک های دیگر فیلم سازی و هنر های نمایشی پیوند بخورد در آشنایی و تمایل بیشتر مخاطب تاثیر گذار خواهد بود؟

حتماً تا اندازه ای می تواند تاثیر گذار باشد اما وجه جذاب تری که می تواند داشته باشد خلاقیتش است. اینکه بتوانیم یک نمایش مستند داشته باشیم، می توانیم سراغ سوژه های عامه پسند تر یا حتی جنجالی تر برویم دوره هایی مختلف فیلم هایی بسیار مورد توجه قرار گرفتند که اتفاقاً سوژه های زردی داشتند، به این صورت مسئله اصلی عمومی بودن سوژه نیست! بلکه مسئله این است که به شکل سطحی به سمت سوژه نباید رفت مسلماً مستند ساز باید فرد با سوادی باشد و نگاه اون به موضوع عمیق و متفاوت باشد نه اینکه به هر موضوعی به شکل زرد و سطحی بپردازد تا دیده شود.

## اساساً مستند سازان با چه موانعی مواجه هستند؟

از سوژه یابی تا بودجه ساخت، گرفتن مجوزهای لازم که من خوشبختانه با آن مواجه نشدم در ادامه شرایط آکران و نمایش که همگی چالش هایی هستند که عموماً با آن مواجه هستیم.

## سوژه یابی و انتخاب موضوع در سینمای مستند چگونه است؟

پیدا کردن سوژه همان سوژه ای است که فرد به آن علاقه مند است و یا به این صورت است که به او سوژه ای سفارش داده می شود تا او بسازد. معمولاً فیلم هایی که برای جشنواره ها به صورت هنری می سازم فیلم هایی هستند که خودم موضوع شان را انتخاب کرده و در موردش تحقیق کرده ام و سپس به سراغ ساخت آن می روم، معمولاً این بخش از کار مدت زمان زیادی می برد چرا که ممکن است همزمان مشغول به مطالعه و تحقیق در مورد سوژه مختلف باشم تا به موردی برسیم که کاملاً قابل اجرا باشد چرا که ممکن است سوژه ای بسیار مورد علاقه شما باشد اما قابل اجرا نباشد مثلاً سوژه ای بود در سالهای اخیر که تا شیراز و اردبیل برای تحقیق در موردش رفتم اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که ساخت آن به صلاح کاراگر نیست. ما به عنوان مستند ساز بیش از آنکه سوژه را دوست داشته باشیم باید به زندگی و آینده کاراگر سوژه اهمیت بدهیم چون ما در مورد آنها مسئول هستیم. چرا که کاراگر به دلیل شناخت کمی که از تاثیر آن مستند بر زندگی اش دارد ممکن است متوجه عواقبی که در انتظارش است نباشد اما ما به عنوان مستند ساز به این امر آگاه هستیم و اجازه نداریم سرنوشت کاراگرهای مستندمان را قربانی خوشایندی و علاقه مان به سوژه کنیم. اعتماد سازی در زمینه ساخت مستند از یک سوژه به شدت پروسه سخت و مهمی است، که اگر درست انجام نشود فیلم مستند واقعی نشده و چهره واقعی از موضوع و سوژه ارائه نمی شود، کاراگر در طول ساخت فیلم به سازنده نزدیک می شود و چیزهایی را می گوید و نشان می دهد که بعدها ممکن است به او آسیب بزند بنابراین اینجا سرنوشت کاراگر است که بواسطه اعتمادی که به ما کرده است در گرو تاثیرات آن فیلم قرار می گیرد و ما در قبال این اعتماد مسئول هستیم.

## با توجه به اینکه قبلاً هم در آثارتان به تعزیه پرداخته اید مهمترین ویژگی تعزیه از نظر شما چیست؟

این جذاب ترین تعزیه برای من است که تعزیه محل تلاقی هنر و دین است. یعنی در دست نقطه ای که بسیاری رسیدن این دو را به هم محال می دانند اما در تعزیه به بهترین شکل رخ می دهد. وقتی مادر مورد هنر های آئینی و نمایش آئینی صحبت می کنیم در واقع داریم از نقطه ای می گوییم که این دو با هم ترکیب شده و به اوج رسیده اند و حاصلش نمایش تعزیه است. درست به همین دلیل می توان به شدت به این نقطه بها داده و به آن پرداخته شود که باعث رشد و توسعه تعداد اجراهای تعزیه می شود، فکر می کنم که باید یک برنامه ریزی دقیق و اصولی برای آن انجام شود چون هنر تعزیه یک مبلغ بزرگ فرهنگی است و می تواند مفاهیم زیادی را در دل خود جای دهد.

## از نظر شما سینمای مستند در چه حد می تواند برای شناساندن یک کشور و آداب و سنن آن موفق باشد و اساساً حمایت از سینمای مستند در این راستا باید چگونه باشد؟

ما باید قبل از هر چیزی حقایقی را بپذیریم، اینکه سینمای داستانی سینمای جذاب تر و پر مخاطب تری نسبت به سینمای مستند است اما این نباید باعث غافل شدن از ارزش های سینمای مستند شود. صدقته که در سینمای مستند وجود دارد باعث باور پذیری بیشتر آن شده و مخاطب مستقیم تر و راحت تر حرف ما را قبول می کند و پیام ما به او می رسد. به همین دلیل در حوزه هایی مثل معرفی کشور و فرهنگ مردم در حوزه تور ایسم و حوزه های مشابه قطعاً سینمای مستند تاثیر مستقیمی دارد. بسیاری از مواقع دیده ایم که برای مسابقات جام جهانی برای معرفی یک کشور و فرهنگ فیلم های مستندی با بودجه های کلان ساخته شده و چند برابر یک فیلم داستانی برایش هزینه شده اما بخاطر کارکرد بسیار بالایی که دارد اینکار را انجام می دهند.

## سخن پایانی

علاوه بر اینکه این فیلم در مورد هنر ارز شمند تعزیه است دوست دارم که مردم با هر تفکر و نوع نگاهی بیایند و به فیلم فرصت دیده شدن را بدهند. دوست دارم به شکلی نظر اتشان را به من منتقل کنند چون هم خودم و هم فیلم، در اینستگرام صفحه داریم و از این طریق می توانند با ما در ارتباط باشند و خوشحال می شوم که نظرات زیبای مخاطبان را بدانم و در نهایت از تیم صبا بخاطر توجه شان به این موضوع تشکر می کنم